

تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره بار در شهر تهران (با تاکید بر آسیب‌های اجتماعی)

ستار پروین *

عبدالحسین کلانتری **

محمدرحیم صفری ***

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱

چکیده

این مطالعه به بررسی تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره بار در شهر تهران و مسائل و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن می‌پردازد. داده‌های این تحقیق از طریق روش تحقیق کیفی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده گردآوری شده است. حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد و تعداد این حجم، با رسیدن به اشباع نظری در میادین میوه و تره بار پایان یافت. یافته‌های تحقیق نشان

sparvin1359@gmail.com

* استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

*** دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

می‌دهد که کارگران میادین میوه و تره بار با مسائلی مانند پایین بودن میزان دستمزد، دوری از خانواده، نبود اوقات فراغت، نبود صنف و یا سندیکای کارگری، برخوردهای تحقیرآمیز شهروندان و مشتریان، تغذیه نامناسب و فشارهای جسمی و روحی شدید مواجه‌اند. و همچنین در معرض برخی از آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: میادین میوه و تره بار، کارگران، تجربه روزمره، فشار

اجتماعی، کنترل اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی

۱- بیان مسئله

مسئله مهاجرت، امروزه مسئله‌ای جدی در بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی است که از چند بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. اما یکی از مهم‌ترین انواع مهاجرت، مسئله مهاجرت از مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین به سمت کلان‌شهرها است که عمدتاً با مسائل شهرنشینی نامتوازن و تباهی فزاینده شهری همراه است (موکرچی، ۱۳۹۰). بر همین اساس گمان می‌رود که این نوع از مهاجرت در هر کجا که همه‌گیر شده و بیشترین سهم از مهاجرت را به خود اختصاص دهد مسائل و مشکلات بسیار زیادی را به همراه می‌آورد. موکرچی درباره مشکلات و آسیب‌های عمومی این شکل از مهاجرت معتقد است:

توده‌های جمعیت فقیر، بی‌زمین، بی‌سواد، کارگران ناماهر، زارعان خرده‌پا و دیگر کارگران از ایالت‌های عقب‌افتاده کشورها همه برآند که با پشت سر گذاردن شهرهای کوچک دورافتاده و شهرک‌ها و نواحی مجاور به مراکز توسعه‌یافته‌تر درون خود کشورها مهاجرت کرده تا بتوانند حداقل معاش خود و خانواده‌هایشان را تأمین کنند (همان).

از نظر استدینگ چنین پدیده‌هایی به این دلیل تحقق می‌یابند که کلان‌شهرها و بزرگ‌شهرهای بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای ایجاد فرصت‌های اشتغال

ظرفیت بسیار محدودی دارند و در نتیجه درون کوچندگان بی سواد و بی مهارت، فقط در کارهای بسیار کم دستمزد و بسیار کم بازده در بخش غیر رسمی شهری جذب می شوند. سطح بسیار پایین دستمزدها بهره‌وری کم، رقابت کشنده، ناامنی و بهره‌کشی از ویژگی‌های این بخش غیر رسمی است (استدنیگ به نقل از موکرچی، ۱۳۹۰: ۳۲).

چنین روندی در بلند مدت دستخوش تحولاتی منفی و آسیب‌های اجتماعی متعدد است به طوری که آلودگی و شدت انحطاط در بخش‌هایی از آن وصف‌ناپذیر است. چنین کلان شهرهایی به سرعت تبدیل به عرصه نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی می‌شوند و تفکیک مناطق و محلات آن بر اساس رتبه‌بندی بر اساس جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد تبدیل به یک رویه معمول می‌گردد. به طور معمول، بی-نظمی شدید اجتماعی، ستیز سخت طبقاتی دسته کم در سطح گفتمان، اشاعه جرائم و رواج یافتن آن، فحشاء و تن فروشی و در برخی موارد اعتیاد و فروپاشی خانواده از اولین پیامدهای چنین مواردی است. به همین دلیل ویلهلم معتقد است که به دلیل چنین مشکلاتی که شهرها برای ساکنان خود ایجاد کرده‌اند، جایی برای اعتبار و توجیه‌شان باقی نمانده است: آلودگی، کمبود سرپناه و مسکن مناسب، قانون شکنی، جرم و ازدحام رفت و آمد از جمله این مشکلات هستند. این مشکلات واقعی‌اند، آن‌ها بازتاب نابرابری اجتماعی، کم کاری اقتصادی، سوء مدیریت و فساد هستند (به نقل از موکرچی، ۱۳۹۰). یکی از مهمترین ابعاد مهاجرت مربوط به گروه‌های کارگری است.

مهاجرت‌های کارگری نمود عینی نابرابری اجتماعی و پیامد توزیع ناعادلانه امکانات و فرصت‌ها و همچنین توسعه ناهماهنگ و نامتوازن می‌باشد. بیشتر افراد به دلایل و انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت می‌کنند و دلیل اصلی آن‌ها چشم اندازی بهتر، در اقتصاد شهری است (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۱۱۰). تصمیم به مهاجرت پاسخی منطقی به شرایط اقتصادی است (همان: ۱۱۷). گروه‌های مهاجر کارگری معمولاً به صورت گروه‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند و اغلب در محل کار خود از سکونت گاه‌های خوابگاهی (بیشتر اتاقکی برای خواب در محل کار) برخوردارند. از مصادیق این

گروه‌ها می‌توان به کارگران ساختمانی، کارگران کارگاه‌ها، میادین میوه و تره‌بار، رستوران‌ها، نانواپی‌ها، فضاهای سبز، پارک‌ها و گروه‌هایی که برای پیدا کردن کار در میادین اصلی و بر سر چهار راه‌ها تجمع می‌کنند اشاره کرد. برخی از مطالعات در مورد این گروه‌ها، نشان می‌دهد که این گروه‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی آسیب پذیرند و نسبت به کارگران بومی با وجود ساعات کاری بیشتر و انجام کارهای سخت و خطرناک از دستمزدهای کمتری برخوردارند، عدم امنیت شغلی و شرایط ناپایدار فعالیت موجب می‌شود که آن‌ها به منظور کسب درآمد بیشتر و تلاش در جهت فراهم آوردن حداقل پس‌انداز برای خانواده خود که معمولاً در مبدأ زندگی می‌کنند، تن به کارهای بسیار خطرناک و سخت بدهند و به لحاظ عدم برخورداری از تغذیه، بهداشت و مسکن مناسب از نظر جسمی و روانی بسیار آسیب پذیرند و به دلیل بروز بیماری‌های مزمن و عدم درمان به موقع، از ضریب سلامت بسیار پایینی برخوردار می‌شوند (مشفق و احمدی ۱۳۸۶). مطالعات بسیاری به بررسی زندگی گروه‌های کارگری و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن پرداخته‌اند (مشفق و احمدی ۱۳۸۶، صادقی ۱۳۸۵، علاءالدینی و همکاران ۱۳۸۹، پوراحمد و کلانتری ۱۳۸۰، پروین ۱۳۹۱، شوکای ۲۰۰۰، کاواچی و دیگران ۱۹۹۹، ما ۲۰۰۱، یانگ و دیگران ۲۰۰۹، چن و دیگران ۲۰۰۴، پوری و کللند ۲۰۰۶).

کارگران میادین میوه و تره بار از جمله گروه‌های شهری آسیب پذیر، هستند که از چند دهه گذشته به دلایل گوناگون - از جمله مسائل مربوط به درآمد و معیشت از برخی مناطق و استان‌ها به شهر تهران مهاجرت می‌کنند و در بخش‌های گوناگون اقتصادی رسمی و غیررسمی شهر تهران مشغول به فعالیت می‌شوند. عدم تعلق به محیط شهری و هنجارهای آن، احساس محرومیت نسبی و بیگانگی از کار، مواجهه با برخوردهای تحقیر آمیز، احساس حاشیه‌ای بودن و وجود فشارهای روحی و جسمی حاد و درآمد پایین از جمله ویژگی‌های این گروه‌ها می‌باشد. با این حال کارگران تره‌بار امروزه در شهر تهران با مسائل عدیده‌ای مواجهه‌اند. در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن

شناخت ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی کارگران تره بار در کلان شهر تهران به بررسی تجربه زندگی روزمره کارگران تره بار و آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر احتمالی اجتماعی و آسیب‌های روحی و جسمی مرتبط پرداخته شود. بنابراین سوال تحقیق این است که تجربه روزمره کارگران تره بار چگونه است و این افراد با کدام آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مواجه‌اند؟

۲- پیشینه تحقیق

به طور مشخص مطالعات چندانی در ارتباط با کارگران میوه و تره بار در تهران انجام نشده است ولی با این حال در این بخش، به بررسی مطالعات مرتبط با زندگی کارگری و آسیب‌های اجتماعی مرتبط پرداخته می‌شود. مطالعه مشفق و احمدی (۱۳۸۶) با عنوان مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیررسمی و آسیب‌پذیری ناشی از آن که با هدف بررسی برخی از ابعاد آسیب‌شناسانه وضعیت مهاجرت کارگران شاغل در بخش غیررسمی در تهران انجام شده، نشان می‌دهد که این افراد معمولاً در گروه‌های چند نفره زندگی می‌کنند و به ندرت و به سختی به دیدار خانواده خود می‌روند. نزدیک به ۸۲ درصد از کارگران مهاجر که عمدتاً در بخش غیررسمی مشغول به کار هستند از هیچ گونه خدمات بیمه‌ای برخوردار نیستند. صادقی فسایی در مطالعه خود به بررسی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مهاجرت‌های کارگری در عسلویه پرداخته است، این مطالعه نشان می‌دهد که دوری کارگران از خانواده پیامدهایی مانند نزاع‌های خانوادگی و شکسته شدن حرمت‌های اخلاقی را به دنبال دارد و نزاع، خشونت، دزدی، اعتیاد، فحشا، مزاحمت‌ها و آزارهای جنسی و مشروب‌خواری از جمله جرائمی است که در این کمپ‌ها اتفاق می‌افتد، کارگران در اوقات فراغت به اعتیاد و مشروب پناه می‌برند (صادقی فسایی، ۱۳۸۶).

بر اساس نتایج تحقیق علاءالدینی و دیگران (۱۳۸۹)، آماری از وضعیت بیماری ایدز و رفتارهای پرخطر در میان کارگران فصلی وجود ندارد اما برخی از ویژگی‌های شیوه زیست کارگران و رفتارهای آن‌ها، زمینه ساز ابتلا به ایدز می‌باشد مانند دوری از خانواده، اعتیاد، زندگی گروهی با همسالان و بی‌بندوباری جنسی. شوکای در مطالعه خود به موضوع کارگران مهاجر و جرم در چین، مهاجرت را با ارتکاب جرم مرتبط می‌داند و معتقد است که حدود نیمی از جرائم شهری مربوط به مهاجران است (شوکای، ۲۰۰۰). در مطالعه‌ای که توسط اوزن و همکاران در ترکیه انجام شده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۲۸ درصد از بزهکاران سابقه مهاجرت داخلی داشته‌اند (اوزن و دیگران، ۲۰۰۵).

در مطالعه‌ای که با عنوان الگوهای مصرف سیگار در میان کارگران مهاجر روستا-شهری در چین انجام شده است، یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت مهاجرت و شیوه زیست مهاجران با شیوع کشیدن سیگار ارتباط دارد (یانگ و دیگران، ۲۰۰۹ همچنین چن و دیگران، ۲۰۰۴). در پژوهش دیگری شیوه زیست مهاجرت کارگری و مصرف مواد مخدر و الکل در تایلند مورد بررسی قرار گرفته است، نتایج نشان می‌دهد که ۱۰/۹ درصد از مردان و زنان سوء مصرف به موادی مانند حشیش و ماری جوانا^۱، آمفتامین^۲، افیون^۳، مواد توهم زا^۴، اکستازی^۵ و سولونت‌ها^۶ داشته‌اند و حدود ۴۳/۳ درصد الکل پرخطر و مضر مصرف کرده‌اند (جیراپراموکپیتاک و دیگران، ۲۰۰۸).

دیگر مطالعات نشان می‌دهد که تحرک اقتصادی و مهاجرت می‌تواند افراد را نسبت به سرایت ایدز آسیب پذیر کند، کارگران مهاجر دور از دوستان، همسر، خانواده

-
1. cannabis
 2. amphetamines
 3. opiate
 4. hallucinogens
 5. ecstasy
 6. solvents

و محله، اغلب انزوا و تنهایی^۱ را تجربه می‌کنند که این موضوع می‌تواند منجر به مصرف مواد مخدر و فعالیت جنسی پرخطر شود که این شرایط، آن‌ها را در معرض بیماری‌هایی مانند ایدز قرار می‌دهد (پوری و کلند ۲۰۰۶). نتایج مطالعه پوری و همکاران نشان می‌دهد که کارگران مهاجر در نپال از درآمد پایین برخوردارند و روزانه حدود ۱۲ ساعت کار می‌کنند و با وجود رفتارهای پرخطر جنسی، تعداد نسبتاً کمی از آن‌ها خودشان را در معرض ایدز در نظر می‌گیرند (همان، همچنین هو و دیگران ۲۰۰۶).

۳- ادبیات نظری تحقیق

جهت بررسی موضوع از دو نظریه فشار اجتماعی و کنترل اجتماعی بهره گرفته شده است. در نظریه فشار اجتماعی، عاملی که باعث می‌شود افراد به ارتکاب رفتارهای انحرافی و پرخطر و جرم دست بزنند، فشار اجتماعی می‌باشد. جرم‌شناسانی که جرم را به عنوان پیامد مستقیم محرومیت و خشم طبقه پایین در نظر می‌گیرند به عنوان نظریه‌های فشار شناخته می‌شوند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که اغلب مردم اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند اما توانایی دسترسی به اهداف مشخص به وسیله طبقه اقتصادی-اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود، فشار در نواحی ثروتمند محدود می‌شود زیرا فرصت‌های آموزشی و شغلی را در دسترس دارند (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۲). تز اصلی نظریه سنتی فشار این است که فرصت‌های مسدود شده برای دستیابی به اهداف موفقیت، ایجاد فشار و یا محرومیت می‌کند که این شرایط منجر به مجرمیت می‌شود (پروین، ۱۳۹۱). از نظر امیل دورکیم، در حالتی که جامعه در نتیجه تغییرات ناگهانی در وضعیت آنومیک قرار می‌گیرد، فشار اجتماعی تشدید می‌شود. از نظر دورکیم یک جامعه آنومیک، جامعه‌ای است که در آن قواعد رفتار (هنجارها) شکسته شده‌اند و یا در

طول دوره‌های تغییرات سریع یا بحران‌های اجتماعی مانند جنگ و قحطی، ناکارآمد می‌شوند. یک جامعه آنومیک، توانایی کنترل نیازها و آرزوهای اعضایش را ندارد (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۲).

مرتون دیگر نظریه‌پرداز رویکرد فشار اجتماعی است که وی این مفهوم را در سطح کلان مطرح کرد. مرتون ساخت جامعه را به دو بعد اهداف تعریف شده فرهنگی و ابزارهای مشروع و قانونی جهت رسیدن به آنها تعریف می‌کند. از نظر وی افراد به پنج شیوه با این دو بعد سازگار می‌شوند که عبارتند از: هم‌نوایی^۱، نوآوری^۲، مناسک‌گرایی^۳، کناره‌گیری^۴ و شورش^۵. به زعم مرتون ساختار اجتماعی و نه تغییر اجتماعی، ریشه مسئله جرم و سایر آسیب‌ها و مسائل اجتماعی است. از نظر وی افراد مطیع قانون هستند اما زمانی که تحت تأثیر فشار زیاد باشند به جرم رجوع می‌کنند، شکاف میان اهداف و وسایل فراهم کننده این اهداف، منبع فشار است (آدلر و دیگران، ۲۰۰۱: ۱۲۵). یکی دیگر از نظریه‌هایی که در قالب نظریه فشار مطرح شده، نظریه عمومی فشار^۶ است که توسط رابرت آگنیو^۷ مطرح شده است. نظریه عمومی فشار به جای تأکید بر محدودیت طبقه پایین اجتماعی و یا فقدان فرصت، بر جنبه‌های روانشناسی اجتماعی و سطح خرد فشار تأکید دارد (بورفیند و بارتوچ، ۲۰۰۶: ۴۹۶). بر اساس تئوری GST افراد به این دلیل در جرم و کجروی اجتماعی درگیر می‌شوند که فشارها و استرس‌ها و همچنین احساسات منفی مانند: عصبانیت، محرومیت و افسردگی را تجربه می‌کنند و از طریق جرم بر این فشارها و هیجانات منفی غلبه می‌کنند، جرم ممکن است راهی برای کاهش و یا فرار از فشار باشد (آگنیو، ۲۰۰۹). آگنیو معتقد است

-
1. conformity
 2. innovation
 3. Ritualism
 4. retreatism
 5. rebellion
 6. general strain theory
 7. Robert Agnew

که مجرمیت^۱ نتیجه مستقیم شرایط اثرگذار منفی مانند عصبانیت، محرومیت و هیجانات منفی^۲ است (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۶). وی به بحث درباره منابع فشار می‌پردازد و آن را به سه نوع تقسیم‌بندی می‌کند که عبارتند از:

- شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

این طبقه از فشار شبیه آن چیزی است که مرتون در مفهوم آنومی اجتماعی از آن صحبت می‌کند، این نوع از فشار نتیجه جدایی میان انتظارات و آرزوهاست و زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد در آرزوی ثروت و شهرت است اما فقدان منابع مالی و آموزش نشان می‌دهد که دستیابی به آن غیرممکن است (پروین، ۱۳۹۱).

- فقدان محرک ارزشمند مثبت

این نوع از فشار، به دلیل نبود واقعی یا مورد انتظار و یا فقدان یک محرک مثبت با ارزش اتفاق می‌افتد. این منبع از فشار اشاره به تجربه فرد از حوادث پراسترس زندگی مانند: مرگ و یا بیماری فرد یا اعضای خانواده دارد. فرد ممکن است به انتقام علیه کسانی که مسئول این فقدان هستند دست زند و یا از جامعه هم‌نوا روی برگرداند (همان).

- مواجهه با محرک منفی

این منبع از فشار اشاره به مجموعه دیگری از فشارها دارد که شامل حوادث منفی است که فرد در مواجهه با دیگران دچار آن می‌شود. فرد ممکن است در معرض بدرفتاری، قربانی شدن، تجارب منفی در مدرسه و دیگر محرک‌های منفی قرار گیرد. در

1. criminality
2. adverse emotions

این حالت فرد احتمال دارد به انتقام علیه کسانی که مثال حضور محرک منفی هستند اقدام کند.

بعد دیگر چارچوب نظری این تحقیق نظریه کنترل اجتماعی می‌باشد. در این نظریه که اساساً انسان‌ها را به عنوان مجرمان بالذات می‌پندارد، عاملی که باعث می‌شود افراد مرتکب اعمال مجرمانه نشوند وجود کنترل‌های درونی و بیرونی قوی است. بنابراین هر آن که این کنترل‌ها و پیوندها ضعیف شوند افراد به سمت انحرافات و آسیب‌های اجتماعی کشیده می‌شوند. هیرشی معتقد است که پیوند اجتماعی، که منبع کنترل اجتماعی است، دارای چهار عنصر است:

- (۱) وابستگی^۱: اشاره به حساسیت شخصی و علاقه فرد به دیگران دارد.
- (۲) تعهد^۲: شامل انرژی و تلاش در جهت رشد شیوه‌های مرسوم فعالیت است مانند آموزش و یادگیری و یا پس انداز پول برای آینده.
- (۳) مشغولیت^۳، در این عنصر، درگیری شدید در فعالیت‌های هم‌نوایانه، زمان کمی را برای رفتار غیرقانونی باقی می‌گذارد.
- (۴) ایمان^۴، این عنصر به معنای عقاید اخلاقی و التزام ارزشی و ذهنی فرد به قواعد و هنجارهای اجتماعی است.

گادفردسون و هیرشی تمایل به ارتکاب جرائم را به میزان خود کنترلی فرد نسبت می‌دهند، از نظر آن‌ها این افراد لحظه‌ای^۵ هستند و نسبت به احساسات دیگران غیر حساسند. ویژگی دیگر این افراد این است که دارای جهت‌گیری اینجا و اکنون^۶ هستند و تلاش برای اهداف بلندمدت را رد می‌کنند. افراد با خود کنترلی پایین، فاقد پشتکار^۷،

-
1. attachment
 2. commitment
 3. involvement
 4. belief
 5. impulsive
 6. here-now
 7. diligence

سرسختی^۱ و سماجت^۲ هستند. ماجراجو بودن^۳، فعال بودن، فیزیکی بودن و خود محوری از دیگر ویژگی‌های این گونه از افراد است.

حال با توجه به دو نظریه مطرح شده می‌توان گفت که فشار اجتماعی صرفاً شرط لازم برای آسیب پذیری افراد است و شرط کافی همان وجود کنترل‌های درونی و بیرونی ضعیف است. به عبارت دیگر هر گاه کارگران میادین میوه و تره بار فشارهای اجتماعی زیادی را در محیط کاری خود تجربه کنند و از سوی دیگر نظارت‌ها و کنترل‌های اجتماعی نیز ضعیف باشند و کارکرد خود را از دست بدهند می‌توان به تبیین آسیب پذیری کارگران میادین میوه و تره بار دست یازید.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه، از نوع روش کیفی است که اطلاعات لازم از طریق مشاهده و مصاحبه با کارگران میادین میوه و تره بار در سطح تهران به انجام رسیده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک و بر اساس شیوه ولکات انجام می‌شود. ولکات (۲۰۰۸ و ۲۰۰۸) طرح تماتیک ساده‌ای ارائه داده است. وی فرایند تحلیل داده‌ها را شامل سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر در نظر می‌گیرد.

۵- جامعه آماری، حجم و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری تمام کارگرانی است که در میادین میوه و تره بار وابسته به شهرداری تهران مشغول به فعالیت هستند. با توجه به آنکه معمولاً در روش تحقیق کیفی، مبنای حجم نمونه اشباع نظری می‌باشد، در این تحقیق هنگامی که داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها به اشباع نظری رسید، حجم نمونه پایان یافت. حجم نمونه برابر با ۳۰ نفر از

1. tenacity
2. persistence
3. adventuresome

کارگران میادین میوه و تره‌بار وابسته به شهرداری تهران می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بوده است.

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- سبک زندگی و تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره‌بار در کلان شهر

تهران

برای این که بتوانیم درک درستی از وضعیت زندگی کارگران میادین میوه و تره‌بار به دست آوریم لازم است تا ابتدا سبک‌های زندگی آنان را مورد بررسی قرار داده و در خلال آن مهم‌ترین مسائل و مشکلات آنان مورد بررسی قرار گیرد.

یک کارگر میوه و تره‌بار صبح‌ها از ساعت ۴ به بعد برای خالی کردن باری که به میدان آمده است از خواب بیدار می‌شود و تا ساعات اولیه صبح میوه‌ها را خالی کرده و آن را بر روی پیشخوان و صندوق‌های عرضه می‌چیند. کار چیش میوه‌ها در سرتاسر روز ادامه دارد. پس از آن برای مدت نیم ساعت صبحانه صرف کرده و پس از آن، آماده پذیرایی از شهروندان می‌شوند. تا ساعات ۱ ظهر که فروش ادامه دارد، کارگران هر یک وظیفه خاصی را بر عهده داشته و مشغول فروش هستند. پس از آن از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فرصت استراحت و صرف غذا است. غذا معمولاً در درون خود فروشگاه و یا در اتاقکی که در بالای میدان تره بار قرار گرفته است پخته شده و همان جا سرو می‌شود. معمولاً به علت فرصت زمان اندک برای استراحت و پخت و خوردن غذا، غذاهای سریع ترجیح داده می‌شود. در هر هفته یک نفر مسئول پخت غذا و شست و شوی ظروف است. البته عموماً این کار به عهده افراد تازه‌وارد و جوان ترها است.

بعد از ظهر هم همین روند تا ساعات پایانی روز ادامه دارد. پس از آن همه افراد پس از استراحت و پخت و سرو غذا به خواب رفته و برای فردا صبح خود را آماده می‌کنند. در برخی از منازل این افراد که در طبقه فوقانی همان میدان تره بار است گاه

در یک اتاق به مساحت کمتر از ۱۵ متر ۵-۶ نفر زندگی می‌کنند. امکانات عمومی مانند حمام و سرویس بهداشتی چندان مناسبی در اختیار آنان قرار ندارد و فاصله زیادی با آن دارند. به علت عدم تمکن مالی مناسب قاعدتاً کارگران این بازارها قادر به اجاره مسکن در محدوده آن نیستند. از آنجایی که آن‌ها مجبور هستند صبح‌ها ساعت ۴ صبح بار را خالی کنند، از همین رو بهترین مکان برای زندگی آنان همان میادین میوه و تره‌بار است.

در این مکان عموماً حوزه خصوصی وجود ندارد. زندگی کاملاً اشتراکی است. تقریباً هیچ خبری از اوقات فراغت به غیر از روزهای تعطیل نیست. هر چند که ممکن است تعداد ساعات آنان از ۱۰ ساعت در روز تجاوز نکند، اما وضعیت زمان‌بندی کار آنان به صورتی است که تمام روز آنان را پر می‌کند. عموماً زمان‌های استراحت آنان جزء ساعات کاری محسوب نمی‌شود. میزان تعطیلات آنان بسیار اندک است. روزهای جمعه را یا ترجیح می‌دهند در بازار مانده و به کارهای شخصی خود مانند بهداشت و شست و شو پردازند و یا این که به دوستان خود در شهر تهران سر می‌زنند. غالباً تمایلی به دیدن تلویزیون و یا مطالعه ندارند و بیشتر موسیقی محلی را قبل از خواب ترجیح می‌دهند. معمولاً یک ساعت قبل از خواب دور هم جمع شده و مراسم شب-نشینی برگزار می‌کنند.

خانواده‌های بیشتر کارگران در شهرستان زندگی می‌کنند. آنان که متأهل هستند هر چند ماه یک‌بار به دیدن خانواده خود می‌روند. به هر حال یکی از جدی‌ترین مشکلات همین افراد دوری از خانواده است که فشار و استرس زیادی بر آنان وارد می‌کند. برخی از آنان در حین مصاحبه عنوان می‌کردند که کودکان آن‌ها حتی پدر خودشان را نمی‌شناسند و از آن‌ها دوری می‌کنند. در هنگام مصاحبه همه آن‌ها بیان کردند که در اولین فرصتی که به دست آورند به زادگاه خود بازخواهند گشت. اما درآمد اندک باعث شده است تا هیچ‌گاه چنین فرصتی نصیب آنان نشود. عدم مهارت خاص و عدم پیشرفت در

شغلی که در پیش گرفته‌اند باعث می‌شود که صرفاً بدن آن‌ها مانند یک ماشین مستهلک تر شده و روز به روز فرتوت‌تر شوند.

اینجا ماندن هیچ فایده‌ای برای ما ندارد. به خصوص برای ما متاهل‌ها. ما هر چی در میاریم رو خرج می‌کنیم. همیشه هشتمون گرو نهمونه. تازه هر سه ماه یکبار هم به زور می‌تونم به زن و بچه‌هام سر بزنم. من الان سه ساله اینجا کار می‌کنم نتونستم به ریال هم پس‌انداز داشته باشم. واقعا دیگه همه چی برام خیلی سخت شده. صرفاً چون کار دیگه‌ای ندارم اینجا موندم (یاسین، از کارگران تره‌بار)

چنین سبکی از زندگی باعث شده است تا آنان را از بسیاری از مزیت‌های مصرف دور کند. عموماً افرادی که در بازارهای میوه و تره‌بار کار می‌کنند لباس فرم بر تن دارند و تقریباً تمام طول روز و هفته خود را با همان لباس سر می‌کنند. تنوعی در پوشش آنان دیده نمی‌شود و از کالاهای فراغتی و مصرفی که صرفاً ارزش مصرفی دارند و برای برآوردن نیازهای اولیه نیست، بهره‌ای نمی‌برند. همان طور که می‌دانیم مصرف تا حدودی می‌تواند برخی از تنش‌های روحی و روانی در حیات شهری به ویژه در کلان‌شهرها را کاهش دهد. تنوع در فراغت و تنوع در شیوه‌های زیست، یکی از راه-حل‌های کنار آمدن با زندگی و حیات مدرن است (برای مثال نک: هریس، ۱۳۹۲). اما اگر به سبک زندگی کارگران دقت کنیم، تقریباً هیچ بهره‌ای از اوقات فراغت نبرده‌اند. معمولاً تمام درآمدی که کسب می‌کنند به شهرستان فرستاده شده و از این رو خود این افراد حتی بهره‌ای از دستمزد اندک خود هم نمی‌برند. افزون بر همه این موارد، استرس دائم ناشی از کار و حرفه آنان هم، فشار مضاعفی بر آنان وارد می‌کند. سرو کله زدن دائم با مشتریان گوناگون و متنوع تقریباً غیرقابل تصور است. یکی از کسانی که متصدی فروش است در این رابطه می‌گوید:

از صبح تا شب با هزار نوع آدم باید سر و کله بزنی. هر کدام از آن‌ها

یک جور رفتار می‌کنند و تو مجبوری با هر نوع از رفتار آنان خودت را

وفق بدهی. بارها و بارها در همین جا به ما توهین شده است. تقریباً دیگر بعد از یک سال عادت کرده‌ام که دیگر این صداها و توهین‌های آنان را نشنوم. ما از یک سو مجبوریم طبق گفته صاحب کار، میوه‌ها را به صورت درهم به مشتری بدهیم و از سوی دیگر مشتری هم تقاضا دارد تا میوه‌ها را سوا کند. به همین دلیل ما هر روز با این تنش‌ها صبح خودمان را به شب می‌رسانیم.

رفتار بد مشتریان، امری است که به دفعات در مصاحبه‌ها تکرار می‌شود. همین امر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل استرس‌زا در میان کارگران این میادین مشهود است. تاکید کارفرما بر عدم مشاجره با مشتری و فشار مسئولین حراست در این رابطه که حق با مشتری است، باعث شده است تا آنها استرس بالایی در میان خود احساس کنند. البته نفس کار به علت این که بیشتر با نیروی بدنی آنان سر و کار دارد و نیاز چندانی به تمرکز نیست، چندان استرس‌زا نمی‌باشد. این نوع از تضاد بین کارگران و مشتریان آنها، گاهی اوقات تقابل ما و آنها و تضاد پایگاه اقتصادی-اجتماعی را به شکل مشهودی نشان می‌دهد. در حین مصاحبه با کارگران آنها به طور مکرر از کلمات ما در تقابل با آنها استفاده می‌کردند. عموماً واژه ما بیشتر از آنکه به کارگران اختصاص یابد، بیشتر دلالتی طبقاتی داشت و واژه آنها چیزی بیش از مصرف‌کننده بودند. به واقع آنها کسانی هستند که "در آپارتمان‌های شیک و گران قیمت خود در مناطق مجلل شهر تهران زندگی می‌کنند" (احمد، کارگر تره‌بار) ولی با این وجود "برای گرفتن چند درصد تخفیف به بازار تره‌بار آمده‌اند" (احمد، کارگر بازار میوه و تره‌بار).

این تقابل ذهنی باعث بروز برخی رفتارها در میان کارگران شده است. برای مثال یکی از کارگران در این رابطه بیان می‌کند که "ما سعی می‌کنیم میوه‌ها و اجناس بهتر را به افراد شهرستانی و یا همشهری خودمان بدهیم". با این وجود، فاصله بین ما/آنها در این رابطه به اندازه‌ای زیاد تصور می‌شود که در عوض شکل‌گیری یک تضاد منافع و

پیگیری مستمر برای کاهش این شکاف خود را به صورت یک حسرت زودگذر نشان می‌دهد:

باور کنید هزینه‌ای که بعضی از آدمایی که برای خرید به اینجا میان بیشتر از کل درآمد من که خرج خودم و خانوادمو باهاش میدم. ولی خودم می‌دونم که نباید خیلی به این موضوعات توجه کنم. باید کارمو بکنم وگرنه همین آب باریکه رو هم از دست میدم. حرف من اینه که اینا که این همه پول دارن چرا به خاطر یه میوه گندیده حاضر می‌شن اینطوری داد و بیداد راه بندازن! (رضا، کارگر بازار میوه و تره‌بار).

همان طور که گفته شد چنین تفاوتی در سرمایه اقتصادی و فرهنگی بین این کارگران و مشتریان آنان باعث نوعی فشار اجتماعی می‌شود که با استرس و مقایسه دائمی همراه است. چنین استرسی از سوی دیگر باعث می‌شود تا این کارگران هیچ‌گاه احساس تعلق به محیط اجتماعی خود نداشته باشند و با وجودی که سایر دوستان و حتی همشهریان آنها نیز در محیط اجتماعی بلاواسطی با آنها زندگی می‌کنند، خود را غریبه بدانند. این نوع از احساس غربت همیشه برای آنان با نوعی از نوستالژی نسبت به خانه^۱ و وطن همراه است و این امر باعث شکل‌گیری دو نوع زیست جهان می‌شود که می‌توان از آنها با عنوان "فضای زیسته"^۲ (گافمن، ۱۹۷۲) به نقل از دورشمیت، (۱۳۹۲) و "فضای نمادین"^۳ نام برد (کاسیرر، ۱۹۷۰). این دو فضا دائماً در حال بده بستان با یکدیگر هستند. فضای زیسته به واقع همان فضای بلاواسط و مستقیمی است که محیط اجتماعی فرد را شکل می‌دهد. در اینجا بازار میوه و تره‌بار را می‌توان به مثابه فضای زیسته کارگرانی که در آن مشغول کار و فعالیت هستند معرفی کرد.

گافمن در مفهوم محیط خود بین "فضای شخصی"^۴ که یک محیط بلاواسط فردی است، و "قلمرو ثابت"^۵ فردی که به حس تعلق و وابستگی در مناطق دور دست

1. Home
2. personal space

زیست-جهان اشاره دارد، تمایز می‌گذارد. از آنجایی که فرد این قلمرو ثابت را به شیوه منحصر به فردی مرتب می‌کند، امر فردی، یک نماد سازی حیاتی از "خود"^۲ و از این رو به شکل تأثیرگذاری بخشی از محیط فردی، صرف نظر از تفاوت فضایی بین خود و قلمرو ثابت آن است (دورشمیت، ۱۳۹۲). به همین دلیل ما با فضای نمادینی روبرو هستیم که می‌تواند بر اساس آن رفتارها و علایق فرد را شکل ببخشد. کاسیرر حتی از این هم پیش‌تر می‌رود و معتقد است که فضای زیسته همیشه دسته کم به دو دلیل، "فضایی نمادین" است: اول این که فضای زیسته، توسط جبرگرایی جغرافیایی تعریف نمی‌شود، بلکه یک واحد پویا است که به واسطه راهبردهای همپوشان و متناقضی از کنش در هر وضعیتی تعریف می‌شود. علاوه بر این، چنین کنش‌هایی، راهبردهای خود را نه تنها توسط محاسبات عقلانی، بلکه با الهام از امیدها، ترس‌ها و اشتیاق‌ها پیدا می‌کنند (همان). در این حالت، فضای زیسته نه تنها یک حوزه پویا برای کنش است، بلکه با فضای تأثیرات انسانی متناقض پر می‌شود.

این امر نشان می‌دهد که فضای زیسته، به اینجا و اکنون واقعی محدود نمی‌شود، بلکه امر حاضر^۳ و غیرحاضر^۴، امر واقعی و امر ممکن را بازنمایی می‌کند. فرد قادر است تا خودش را از محیط بلاواسطه جدا کند، موقعیت خودش را به عنوان موقعیتی رابطه‌ای با نظم همزیستی ممکن فضایی کلان‌تر بفهمد و قادر است تا احتمالات آینده را در این مورد که محیط چگونه می‌تواند در رابطه با طرح زندگی‌اش گشوده شود، پیش‌بینی کند (کاسیرر^۵، ۱۹۵۳: ۲۱۲). چنین روندی به خوبی در میان کارگران این بازار روز قابل مشاهده است. به دلایل گوناگون، بازار میوه و تره‌بار به ویژه در ساعات استراحت و روزهای تعطیل به نوعی تداعی‌گر زادگاه کارگران می‌شود. این محیط

1. fixed territory
2. self
3. the present
4. non-present
5. Cassirer

اجتماعی با استفاده از نمادپردازی‌ها و شب‌نشینی‌های گوناگون فضای نمادینی را به فضای زیسته آنان تزریق می‌کند. از سوی دیگر هر چه گسست بین فضای زیسته و فضای نمادین بیشتر می‌شود، نوعی احساس نوستالوژیک در میان این کارگران به وجود می‌آید که بعضاً با احساس غربت و نیز نوعی دل‌تنگی و حتی شکلی از دیاسپورا همراه می‌شود. چنین احساسی بعضاً با تنش‌های عاطفی شدیدی همراه می‌شود:

هیچ‌گاه گمان نمی‌کردم نتوانم ماه‌ها به شهر خودمان بازگردم. گاهی به شدت دوست دارم تا به دیار خودم برگردم. با خودم می‌گویم همه چیز را ول کنم و برگردم. اما می‌دانم که نمی‌توانم دوام بیاورم. به همین خاطر بعضی از شب‌ها به گوشه‌ای می‌روم و به یاد روزهای خوب نوجوانی گریه می‌کنم. کاش می‌توانستم دوباره به آن روزها برگردم (یاسر، ۲۶ ساله، کارگر بازار میوه و تره‌بار).

اما این کارگران عمدتاً نگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به زندگی در تهران دارند. برای مثال یاسر، با مقایسه دائم تهران با بازگشت به خانه، بحث می‌کند که "اینجا هیچ ارزش واقعی برای زندگی ندارد، اینجا صرفاً به پول مربوط می‌شود نه چیزی دیگر". اما بازگشت بدون از دست دادن پول، برهانی برای ماندگار شدن او در این کلان‌شهر است، نه تنها گزینه. یاسر این تصور از کلان‌شهر تهران را به عنوان یک اجبار توصیف می‌کند، در حالی که واقعیت زندگی در تهران، طبق نظر او، کار سخت، آلودگی، و جرم است و "آدم یک زندانی در خانه خودش" است. از سوی دیگر، او تهران را به عنوان یک شهر سازمان یافته، با جذابیت‌های بسیار زیبا و امکانات فراوان، و جایی که آدم می‌تواند حریم خصوصی داشته باشد و خودش باشد تعریف می‌کند. بنابراین نوعی احساس دوگانه نسبت به تهران در او وجود دارد. از طرفی او شهر تهران را به عنوان مکانی توصیف می‌کند که خانه و گذشته زیبای او را از وی گرفته است که عمدتاً در میان جمع و شب‌نشینی‌ها بیان می‌شود و از طرف دیگر در خلوت خودشان نوعی احساس تحسین و دل‌بستگی به آن احساس می‌کنند. به همین دلیل است که یاسر در

انتها معتقد است که مسئله ماندن در شهر تهران فقط موضوع "درآمد آن" نیست، بلکه "وقتی به تهران می‌آیی انگار یک چیزی به پایت گره خورده است".

با این وجود هیچ‌گاه هیچ یک از این کارگران محل زندگی خود را خانه نمی‌نامند. آن‌ها این محل زندگی را صرفاً جایی "برای اسکان خود" می‌دانند که "مجبورند شب‌ها در آنجا بمانند" چون "جای دیگری برای رفتن ندارند". توصیفی که آن‌ها از این بازار ارائه می‌دهند آن را تبدیل به محیطی می‌کند که مارک اوژه (۱۹۹۵) در رابطه با نامکان‌ها در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ توصیف می‌کند. نامکان عمدتاً به فضاهای شهری گفته می‌شود که موجد هیچ گونه تعلق و دلبستگی محیطی نیست و صرفاً کاربردی مستقیم و دم دستی دارد. در نامکان‌ها حرکت افراد در درون آن بسیار ناپایدار است. هر چند کارگرانی که در این محیط زندگی می‌کنند مدت زمان زیادی از سکونت آنان می‌گذرد اما به علت ناپایدار بودن محیط اجتماعی آن، جریان ناپایدار جمعیت، دلبستگی چندانی در میان آنان یافت نمی‌شود. به همین دلیل است که یکی از این کارگران در مورد ترک این بازار می‌گوید:

"هیچ‌گاه موقع ترک این بازار احساس بدی نداشته‌ام، هیچ‌گاه موقع

برگشتن از مرخصی هم حس خوبی نسبت به بازگشت به اینجا ندارم".

اما از سوی دیگر مهاجرت از شهر و دیار و آمدن به سمت کلان شهر تهران، با نوعی ریشه‌کن شدن همراه است. ریشه‌کن شدن، مشخصاً با مفهوم ازجاکنندگی گیدنز (۱۹۹۴: ۲۱-۵۳) مشابه است. با این حال، در حالی که ازجاکنندگی در دگرگونی‌های موقعیت‌مندی محیط اجتماعی بر ابعاد فضایی-زمانی تاکید دارد، ریشه‌کن شدن بر این واقعیت تاکید می‌کند که این دگرگونی نیز بعدی زیباشناختی یا عاطفی دارد (دورشمیت، ۱۳۹۲). از این رو محیط اجتماعی صرفاً یک پیکربندی از امور معمولی فضایی-زمانی نیست، بلکه در عین حال به موقعیت عاطفی عمومی افراد نیز اشاره دارد.

از این رو، ریشه کن شدن، همچنین بر چالشی برای بی‌تعصبی^۱ افراد دلالت دارد (همان). در اینجا نکته اصلی این است که این دو بعد، یعنی ریشه کن شدن عاطفی و فضایی، به میزان بسیار زیادی مکمل هم هستند. اما، همان‌گونه که خواهیم دید، "کنده شدن"^۲ محیط اجتماعی از زمینه محلی‌اش ضرورتاً، دست در دست یکدیگر به "گسترش افق‌ها" منجر نمی‌شود. از همین رو است که این شکل از ریشه‌کن شدن و از جاکندگی از محیط اجتماعی مبدأ باعث شده است تا علاوه بر فاصله گرفتن جغرافیایی، محیط مبدأ کارگرانی که به قصد کسب درآمد و معیشت خانواده به تهران سفر کرده‌اند در هنگام بازگشت با نوعی سرخوردگی مواجه شوند. به همین دلیل است که محمد درباره مسافرت خود به شهر زادگاهی دچار نوعی گسست شده است:

واقعاً آن شهری که ما بارها با دوستان خاطرات خود را مرور کرده‌ایم، دیگر چندان برای من جذاب نیست. حتی وقتی که به آنجا برمی‌گردم آن احساسی را که نسبت به آن داشته‌ام یا احساسی که با همکارانم آن را مرور کرده بودیم، دیگر وجود ندارد.

این شکل از احساس بی‌تعلق مکانی را به بهترین وجه آن می‌توان در توصیف استوارت‌هال از بحران هویت مشاهده کرد. هال معتقد است که تغییر ساختاری عصر مدرن با تغییر چشم‌اندازهای فرهنگی، طبقه، جنسیت، قومیت، نژاد و ملیت که پیش‌تر از این پناهگاه محکمی برای هویت محسوب می‌شدند، جایگاه و هویت افراد را تغییر داده و درهم می‌ریزند. «این تغییرات در حال تغییر دادن هویت شخصی ما و سست کردن درک ما از خودمان به عنوان سوژه‌های یکپارچه هستند» (هال، ۱۹۹۶: ۱۱۴). این همان چیزی است که از آن به عنوان سوژه مرکززدایی شده نام برده می‌شود که به بحران هویت تعبیر می‌شود. در همین راستا، با از جا کندگی محیط اجتماعی - و در این رابطه محیط محلی - نوعی گسست جغرافیایی رخ می‌دهد که این کارگران را از

1. open-mindedness
2. lifting out

محیط اجتماعی مبدا، کنده و در درون یک بازنمایی جمعی و در خلال مراسمات شب‌نشینی و مصرف کالاهای فرهنگی محلی در یک فضای نمادین در جمع‌های دوستانه گرد هم می‌آورد و اسطوره‌ای شدیداً نوستالوژیک از "بازگشت به خانه" را شکل می‌دهد. اما همانطور که در گفته محمد دیدیم این نوع از بازگشت به خانه با مراجعه دوباره به آن از هم فرو می‌پاشد. به همین دلیل است که حال به شدت با مفهوم «بازگشت به هویت محلی» به عنوان یک امر استعلایی مخالفت می‌کند و آن را یک اسطوره می‌خواند.

حال همیشه بر ماهیت پیچیده و چند لایه هویت تاکید می‌کند و برای مثال با این ایده که سیاه بودن، احیاء ماهیت خود است مخالفت می‌کند و آن را چیزی بیش از یک برساخت نمی‌داند. به هر حال چنین بحرانی از هویت یکی از ویژگی‌های اصلی کارگران مهاجر به طور کلی و کارگران بازارهای میوه و تره‌بار به طور خاص است.

اما فرآیند هویت‌یابی دوباره در درون چنین اجتماعاتی به روش‌های گوناگونی صورت می‌گیرد. از این جریان هویت‌یابی دوباره به عنوان "ریشه‌یابی مجدد" (دورشمیت، ۱۳۹۲) نام برده می‌شود. اما این شکل از ریشه‌یابی مجدد همیشه نیازمند برخی ملزومات است، برای مثال مسکن مناسبی که بتوان نوعی احساس تعلق به آنجا داشت و یا احساس مالکیت و عضویت در شبکه‌های رسمی که دارای سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی و فرهنگی باشند. یا حتی آینده‌ای که افراد در ذهن خود تجسم کرده و نقشه مسیر زندگی خود را بر اساس آن ترسیم می‌کنند. اما همانطور که گفتیم، کارگرانی که در شهر تهران زندگی می‌کنند، به طور عام و کارگران تره‌بار به طور خاص دسترسی مناسبی به هیچ یک از این الزامات ندارند. زندگی در یک سرپناه به جای مسکن، عدم توانایی برنامه‌ریزی برای آینده و حتی خروج از شبکه‌های رسمی و معتبری که در داخل شهر تهران وجود دارد، و از سوی دیگر کنده شدن و جدا ماندن از

جایی که از آنجا آمده‌اند، بسیار تداعی‌گر آن چیزی است که برگر و همکاران (۱۹۷۴) "ذهن - بی‌خانمان" می‌نامند. از این نظر که اذهان کارگرانی که در اینجا زندگی می‌کنند خشنودی چندانی نسبت به زیست-جهان خود ندارند و تحرک اجتماعی آنان و از جاکنندگی محیط اجتماعی آنان، هر گونه حس تعلق را از آنان گرفته است و اضطراب و استرسی دائمی در زندگی روزمره‌شان را به همراه دارد:

همیشه آخر روز کاری از این که مجبورم فردا هم با کلی آدم جورواجور سر و کله بزنم تمام بدنم می‌لرزه، می‌دونم که کار دیگه‌ای نمی‌تونم بکنم. واقعاً آگه جایی داشتم هیچ وقت حاضر نمی‌شدم حتی یه روز هم اینجا بمونم. ولی انگار باید سوخت و ساخت (سلیم، ۳۱ ساله، کارگر بازار میوه و تره‌بار).

در ادامه تلاش می‌شود تا برخی از مسائل و مشکلات این کارگران به شکل مفصل‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۶- فرسودگی شغلی: کار زیاد دستمزد کم

مصاحبه‌ها و مشاهدات نشان می‌دهد که بیشتر کارگرانی که در این مرکز مشغول به کار هستند، رضایت چندانی از وضعیت دستمزد خود ندارند. احمد یکی از کارگران این مراکز در این رابطه بیان می‌کند:

تصور کنید که مجبور باشید گاهی ساعت ۳ یا ۴ صبح از خواب بیدار شوید و تا ۸ شب کار کنید و دستمزد شما ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار تومان باشد. واقعاً با این شرایط نمی‌شود زیاد به زنده ماندن امیدوار بود.

مسئله دستمزدها فقط به همین مسئله محدود نمی‌شود. کارگرانی که در این گونه مراکز مشغول فعالیت هستند در طول سالیان هیچ گونه مبلغی به دستمزد آن‌ها به علت

سابقه کار اضافه نمی‌شود. به همین علت است که دستمزد کسی که چند ماه است در این میادین کار می‌کند با کسی که سال‌ها در آنجا مشغول فعالیت است تفاوتی ندارد. عموماً در مشاغلی که نیاز چندانی به مهارت وجود ندارد، و صرفاً از نیروی بدنی استفاده می‌شود، میزان کار انجام شده و نه سابقه کاری، معیار پرداخت دستمزد می‌شود. به همین دلیل حتی با افزایش تعداد سال‌های کاری و به دلیل فرسایش نیروی بدنی ممکن است حتی از دستمزد افراد هم کاسته شود. جوانان نسبت به افراد سالخورده‌تر از نیروی بدنی بیشتری برای کار برخوردارند و از همین رو ترجیح و اولویت اصلی برای جوانان است. البته خود جوانان هم از سرنوشتی که در انتظار آنان است باخبرند. به دلایلی که در پیش‌تر برشمردیم، بیشتر کسانی که در میادین میوه و تره‌بار مشغول فعالیت هستند، جوان هستند و تا زمانی که بتوان از نیروی بدنی آن‌ها استفاده کرد، در آنجا مشغول به کار می‌شوند. این کار باعث ضعف جسمی زیادی در آنان می‌شود. اگر به این میادین سر بزنیم، متوجه ضعف جسمانی در برخی از این کارگران می‌شویم. به هر حال در دراز مدت زمان کار زیاد و سخت به همراه تغذیه نامناسب به مرور زمان باعث ضعف جسمی و عضلانی خواهد شد. با وجود مکانیزه شدن کار در بسیاری از بخش‌های جامعه صنعتی، اما در مواردی همچون بازار روز میوه و تره‌بار که بدن و فعالیت‌های بدنی محور اصلی کار است، آسیب‌هایی همچون کمردرد، اختلالات اسکلتی و عضلانی از موارد شایع در این بازار است که به کرات در مصاحبه‌ها کارگران به آن‌ها اشاره دارند:

ما مجبوریم هر روز چند تن میوه رو خالی کنیم. تمام طول روز هم باید سر پا بایستی.

به طور کلی، مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده در این رابطه نشان می‌دهد که میزان فرسودگی شغلی در میان کارگران بازارهای میوه و تره‌بار میزان نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد که البته نیازمند مطالعه‌ای تجربی است تا میزان این فرسودگی را به دقت

اندازه‌گیری کند، با این وجود می‌توان آن را به عنوان یکی از مسائل جدی کارگران میادین میوه و تره بار مورد مطالعه، مطرح کرد.

۳-۶- عدم حمایت و امنیت شغلی

هر چند کارگرانی که در میادین میوه و تره‌بار مشغول فعالیت هستند نسبت به برخی از کارگران دیگر، مانند کارگران ساختمانی که عموماً فصلی هستند از امنیت شغلی بهتری برخوردار هستند و مجبور نیستند به دنبال پایان هر کار روزهای متوالی بیکار مانده و یا به کارهای دیگری تن در دهند، اما واقعیت این است که امنیت شغلی در این مراکز نیز چندان بالا نیست. همانطور که گفته شد، چون این‌گونه مشاغل بر نیرو و توان بدنی استوار است، به محض از کارافتادگی و کهولت و یا حتی کسالت مقطعی به راحتی جایگزین و نیروی کار ذخیره وجود خواهد داشت. یکی از کارگران این مرکز به خوبی این وضعیت را تشریح می‌کند:

به اندازه‌ای نیروی کار زیاد و فرصت شغلی کم است که به محض این که متوجه بشوند کمی از توان بدنیت تحلیل رفته است سریع جایگزینت را پیدا می‌کنند. اینجا رقابت بر سر شغل و کار بسیار نابرابر است. برای این که نیروی کار زیاد است و شغل کم است هر چه کارفرما بگوید باید قبول کنی. واقعاً یا باید بیکار بمانیم و یا این که هر چه آن‌ها می‌گویند قبول کنیم.

مسئله در اینجا کاملاً روشن است. به واقع به علت نیروی کار زیاد و تقاضای بالا برای کار و موقعیت‌ها شغلی اندک، ابتکار عمل در دستان کارفرمایان است. به این معنا که کارفرما با دستان بازتری می‌تواند دستمزدها را پایین نگه داشته و حتی بهره‌کشی را بالا ببرد. فقط کافی است کسی اعتراض کند تا به راحتی جایگزین وی، موقعیت او را اشغال کند. ترس از بیکاری و عوامل دیگری مانند نداشتن مسکن و ناامنی شغلی در سایر بخش‌ها، باعث تن در دادن به سختی کار می‌شود. به همین علت است که یکی از کارگران میوه و تره‌بار در این باره می‌گوید:

بیشتر کسانی که اینجا هستند به این کار به عنوان یک شغل دائم و همیشگی نگاه نمی‌کنند. بیشتر ما بعد از یک مدت که به پولی دستمون بیاد و بتونیم به کار دیگه بکنیم از اینجا میریم. واقعاً همیشه به این کار به عنوان یک شغل نگاه کرد. اگه آدم بتونه چند سال اینجا دوام بیاره خیلیه.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود ما شاهد این چنین ناامنی شغلی باشیم عدم شکل‌گیری اصناف و یا ضعف و ناتوانی اصناف در پیگیری حقوق اعضا است. متأسفانه در این مراکز هیچ گونه صنفی وجود ندارد و حتی تشکیل چنین اصنافی در تخیل افراد آن هم نمی‌گنجد. از همین رو تقریباً هیچ کانال مطمئنی برای پیگیری حقوق آنان وجود ندارد.

۴-۶- درآمد کم و تغذیه نامناسب

یکی از مهم‌ترین مسائل در مورد زندگی افراد کم‌درآمد و فقیر جامعه مسئله معیشت آنان است. عموماً افراد فقیرتر معیشت نامناسب‌تری در جامعه دارند. ضعف در معیشت افراد فقیر و کم‌درآمد از دو جنبه قابل بررسی است؛ یک بُعد آن به میزان غذای مصرفی آنان مربوط می‌شود و بُعد دوم به کیفیت غذای آنان، برای مثال نوع کالری و ویتامین‌های مصرفی همه از عناصر مهم در سالم بودن معیشت است. متأسفانه کارگران میادین میوه و تره‌بار از لحاظ تغذیه در وضعیت چندانی مناسبی به سر نمی‌برند. وضعیت زندگی آنان به گونه‌ای است که فرصت چندانی برای آشپزی کردن ندارند. کار کردن تا ساعت ۱ ظهر و از سوی دیگر تا ۸ شب باعث می‌شود تا آنها در اغلب موارد به غذاهای سریع رو بیاورند که اغلب از کیفیت بالایی برخوردار نیست. به همین دلیل همیشه به دم دست‌ترین غذایی که بتوان آماده کرد، روی می‌آورند.

۵-۶-۱- سکانات مناسب و آسیب‌های اجتماعی مرتبط

یکی از مهم‌ترین معضلاتی که می‌توان برای این کارگران نام برد، عدم بهره‌مندی از مسکن و سرپناه مناسب است. همانطور که گفته شد، بعضاً ۶ تا ۸ نفر از این کارگران در یک محیط ۱۰ تا ۱۵ متری زندگی می‌کنند که باعث می‌شود هیچ گونه حریم خصوصی برای آنان باقی نماند. علاوه بر این عدم امکانات مناسب برای محل سکونت، مانند سرویس‌های بهداشتی مناسب، لوازم گرمایشی و سرمایشی خوب و فضای کافی و مناسب برای خلوت کردن و استراحت کردن، باعث می‌شود تا فشار اجتماعی بیشتری بر آنان وارد شود. در حالت عادی، در این‌گونه محیط‌های خوابگاهی و شبه‌کمپی، نزاع‌ها و درگیری‌های زیادی رخ می‌دهد، ضریب شیوع و سرایت بیماری زیاد است و حتی در موارد ممکن است به روابط جنسی نامشروع و شیوع بیماری‌های مرتبط منجر شود (نک به: علاالدینی و دیگران، ۱۳۸۹).

همچنین از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی چنین کمپ‌هایی، اپیدمی شدن مسئله اعتیاد در میان ساکنان آن است. از آنجا که اعتیاد می‌تواند به عنوان یک روش آرام بخش موقت کاربرد داشته باشد، به سرعت می‌تواند اعضاء یک کمپ را آلوده کند. اما در مورد سکونتگاه‌های کارگران بازار میوه و تره‌بار، این آسیب‌ها، دسته کم در مقایسه با کارگران مهاجر فصلی (نک: پروین، ۱۳۹۱) به میزان بسیار کمتری مشاهده می‌شود. دلایل متعددی می‌توان برای این امر برشمرد:

۱) ابتدا این که بر خلاف کارگران فصلی که دوره‌های کاری و بیکاری مداومی دارند و عمدتاً در مواقع بیکاری به مصرف مواد روی می‌آورند، در بازارهای میوه و تره‌بار، عمدتاً آن‌ها به صورت مدام مشغول به کار هستند. اشتغال زیاد به کار باعث می‌شود کارگر فرصت زیادی برای ارتکاب رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد نداشته باشد. بنابراین بر اساس تئوری کنترل اجتماعی، مشغولیت بالا به کار از عواملی است که مانع از گرایش این دسته از کارگران به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌شود.

۲) مسئله بعدی به محیط اجتماعی کارگران میوه و تره‌بار برمی‌گردد. بر خلاف محل زندگی کارگران فصلی که یا در یکی از اتاق‌های همان محل کارشان سکنی گزیده‌اند و عموماً خالی است و یا این که در یک منزل با تعداد بسیار زیاد زندگی می‌کنند، محل زندگی کارگران میوه و تره‌بار، همان محل کار آنان است که محل مراجعه دائمی مردم و مشتریان و صاحبان غرفه‌ها است و از این رو موقعیت چندان مساعدی برای گرایش به آسیب‌های اجتماعی به وجود نمی‌آید.

۳) مورد سومی که می‌توان به آن اشاره کرد، شبکه اجتماعی و فرهنگی محلی است که در میان این کارگران وجود دارد. اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که اغلب کارگران این بازارها را کردها تشکیل می‌دهند. حتی بسیاری از کسانی که در یک بازار کار می‌کنند از قبل یکدیگر را می‌شناخته و یا حتی با هم خویشاوند هستند. به همین دلیل این شبکه حمایتی مانع از گرایش این افراد به سمت برخی رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد و یا نزاع‌های دسته‌جمعی می‌شود.

اینجا بیشتر کسانی که دارن کار می‌کنن کرد هستن و با هم رابطه خوبی دارن. کردها کمتر به سمت اعتیاد می‌رن و چون همه همدیگر را می‌شناسند با هم درگیری ندارن. به همین خاطر هم صاحبان غرفه‌ها ترجیح می‌دهند تا از کارگران کرد استفاده کنند، چون با بقیه هماهنگ‌ترن (احمد، صاحب غرفه میوه‌فروشی).

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که از یک سو کارگران با فشارهای روانی، جسمی و اجتماعی بالایی در محیط کار و بعضاً از سوی خانواده مانند تغذیه نامناسب، سختی کار، بی‌خوابی، درآمد پایین، احساس محرومیت نسبی و مواردی از این دست مواجه‌اند، بنابراین وجود فشار اجتماعی می‌تواند این دسته از کارگران را - مانند سایر گروه‌های کارگری مانند کارگران مهاجر فصلی - در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دهد اما از سوی دیگر وجود کنترل‌ها و نظارت‌های به خصوص بیرونی مثلاً مشغولیت بیش از حد به کار که در بالا ذکر شد از جمله عواملی است که سبب می‌شود

کارگران میادین میوه و تره بار دست به اعمال انحرافی زنند (نک پروین، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، طبق نظریه فشار اجتماعی، کارگران در معرض فشارهای اجتماعی متعدد در سطح خرد هستند اما بر اساس نظریه کنترل اجتماعی، کنترل‌های درونی و بیرونی قوی مانع از آسیب‌پذیری آن‌ها در مقابل آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌شود.

به هر حال در کنار همه این‌ها، نمی‌توان محیط اجتماعی نسبتاً مناسب بازارهای روز نسبت به سایر محیط‌های کاری برخی از کارگران را نادیده گرفت که باعث می‌شود، دسته کم در برخی موارد میزان آسیب‌ها در آنجا کاهش یابد. عموماً مصاحبه با افراد نشان می‌داد که مواد مخدری دسته کم در بازار مصرف نمی‌شود. مصرف سیگار نیز چندان رایج نیست و عمدتاً در مواقع استراحت و در شب‌ها به تعداد اندک مصرف می‌شود. یکی از کارگران با مقایسه وضعیت کارگران تره‌بار با کارگران ساختمانی می‌گوید:

من خودم قبلاً کارگر ساختمانی بودم. اونجا شبها ممکن مجبور باشی
۱۰ نفره تو به اتاقی زندگی کنی که هیچ کدومشونو نمیشناسی. بعد
خیلی‌هاشون کار گیرشون نمیداد و فقط دور هم میشینن تریاک مصرف
می‌کنن. اونجا همه کثیف هستن و کسی به نظافت اهمیت نمی‌ده. اما اینجا
آدم احساس می‌کنه که شغل داره. بقیه رو می‌شناسه و این خیلی به ما
کمک می‌کنه. هرچند کار تو اینجا خیلی سخته.

این شکل از محیط کاری که به صورت شبکه درآمده و افرادی از یک فرهنگ را دور هم جمع می‌کند، در بسیاری از موارد می‌تواند برخی از آسیب‌های روانی ناشی از دوری از خانواده را التیام بخشیده و برخی از مشکلات عاطفی را رفع و رجوع نماید. به واقع ما در اینجا شاهد نوعی شبکه حمایتی و روابط اجتماعی هستیم که بر اساس پیوستگی‌های قومی و فرهنگی شکل گرفته است و در مواقع ایجاد مشکل می‌تواند افراد را یاری دهد:

بعضی موقع‌ها که کسی مریض می‌شه یا این که مشکلی برایش پیش می‌یاد، مثلاً مجبوره بره شهرستان، بقیه کارهاشو انجام می‌دن تا اون حالتش خوب بشه یا مشککش برطرف بشه. به همین خاطر اینجا همه هوای همدیگه رو داریم، چون همدیگر رو می‌شناسیم و حتی با هم فامیل هستیم. اگه کارفرما هم بخواد کسی رو استخدام کنه به ما می‌گه و ما از فامیل‌ها و دوستانمون کسی را بهش معرفی می‌کنیم (سجاد، کارگر بازار میوه و تره‌بار).

همانطور که مشاهده می‌شود این شبکه به طور غیر رسمی در میان کارفرمایان هم پذیرفته شده است. به واقع، از آنجا که بیشتر این کارگران کرد هستند و دارای نوعی همبستگی اجتماعی و فرهنگی‌اند، پس سایر افراد از گروه‌های فرهنگی و قومی دیگر، تمایل چندانی به حضور در این گونه جمع‌ها ندارند.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

کلان‌شهرها به ویژه در عصر جهانی شدن اشکالی از حیات اجتماعی و شهری را خلق می‌کنند که باعث تنوع و گستردگی بسیار زیادی در سبک‌های زندگی و زندگی روزمره مردمان می‌شود. چنین تنوع و گستردگی باعث می‌شود تا مفاهیمی مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و مواردی از این دست، دیگر به تنهایی تعیین‌کننده ویژگی‌ها و خصایص یک گروه اجتماعی نیستند و بسته به شرایط در یک مکان و زمان خاص، نوع تعامل آن‌ها با کلان‌شهر متغیر می‌شود.

در این مقاله سعی شد تا این موضوع محور توجه قرار بگیرد. در وهله اول سعی شد تا مهاجرت کارگران، به عنوان یکی از گونه‌های مهاجرت مورد بررسی قرار بگیرد که مورد انواع خاصی از آسیب‌ها و فشارهای اجتماعی بالقوه است. سپس با استفاده از مطالعه‌ای موردی درباره کارگران بازار میوه و تره‌بار، سعی شد تا در خلال سبک

زندگی و زندگی‌های روزمره آنان، تنش‌ها و فشارهای اجتماعی و نوع مواجهه آن با کلان شهر، دیگری و حتی مبدأ - یعنی جایی که از آنجا آمده‌اند - مورد بررسی قرار بگیرد. به نظر می‌رسد تنها از طریق چنین رویکردی زندگینامه‌ای است که می‌توان فشارهای اجتماعی و نوع آسیب‌هایی که این قشرها را تهدید می‌کند و نیز مکانیسم‌های جبرانی آن‌ها برای کنار آمدن با وضعیت‌های پیش رو را تبیین کرد.

بر اساس یافته‌ها، در این گروه از کارگران، به علت سختی و فشار کار و نیز به دلیل شرایط کاری و دستمزدهای اندک برخی آسیب‌های عمومی و مشترک با سایر کارگران در بخش‌های دیگر وجود دارد. فرسودگی شغلی، معیشت و مسکن نامناسب، عدم برخورداری از اوقات فراغت از جمله مسائلی بودند که در مقاله توصیف شد. از سوی دیگر فشارهای اجتماعی ناشی از برخورد با گروه‌های اجتماعی متعدد، برخلاف کارگرانی همچون آنانی که در کار ساختمانی هستند، آنان را با کلان شهر و تمام پیچیدگی‌هایش مواجهه کرده است و نبردی ایدئولوژیکی را به شکلی نابرابر شکل داده است. این شکل از مواجهه با کلان شهر، نه تنها محیط اجتماعی مستقیم و بلاواسطه آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، بلکه نگرش و نوع نگاه آنان به وطن و خانه را هم دست‌خوش تحولات و تغییراتی اساسی کرده است به طوری که به تاسی از برگر، می‌توان از آن‌ها به عنوان اذهان بی‌خانمانی نام برد، که در حسرت نوستالوژیک وطن، دل در گرو کلان‌شهری بسته‌اند که هیچ‌گاه نمی‌تواند زیست-جهانی را برای آنان شکل دهد که موجد حداقلی از خشنودی باشد.

از سوی دیگر برخی حمایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی بین این کارگران شکل گرفته است که بر هویت‌های محلی و خویشاوندی مبتنی است. این شبکه‌های حمایتی در صورت تقویت و توانمندسازی افراد می‌تواند بسیاری از دردها و تالم‌های آنان را دسته کم کاهش دهد. حال با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر در جهت کاهش مسائلی که کارگران با آن مواجه‌اند می‌توان ارائه داد:

تجربه روزمره کارگران میادین میوه ... ۲۰۳

- پیشنهاد می‌شود که با توجه به آنکه در قانون و شریعت ما کارگر عزیز و ارزشمند است، پس به شهروندان آموزش‌های مناسب فرهنگی جهت نگه داشتن احترام این کارگران داده شود، تهیه برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های جمعی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

- با توجه به سختی مشاغل در این گونه بازارها پیشنهاد می‌شود که این نوع شغل در قوانین در زمره قوانین با سختی کار بالا تعریف شود تا کارگران با دلگرمی بیشتری به کار خود ادامه دهند.

- با توجه به آنکه کارگران میادین میوه و تره بار تقریباً از زمان اوقات فراغت زیادی برخوردار نیستند، لازم است کمیت و کیفیت این اوقات در برنامه‌های فرهنگی شهرداری تهران گنجانده شود. پیشنهاد می‌شود که در روزهای تعطیل برنامه‌های فراغتی مانند موسیقی محلی و... برای کارگران در نظر گرفته شود. همچنین به صورت فصلی، جشنواره‌های محلی در فرهنگسراهای خاصی در نظر گرفته شود.

- یکی از مؤثرترین اقدامات این است که در هر میدان تره‌بار متناسب با وسعت و تعداد کارگران شاغل در آن، محل‌هایی با امکانات مناسب برای اسکان آن‌ها احداث شود. بدون شک این اقدام تأثیر بسزایی بر وضعیت شغلی آنان خواهد داشت.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به جوان بودن کارگران و دوری از خانواده و احتمال بروز رفتارهای پرخطر جنسی، تمهیدات لازم در این زمینه توسط شهرداری تهران اندیشیده شود. به عنوان مثال زمان مرخصی این افراد - به ویژه افراد متأهل - بیشتر شود تا بتوانند به دیدار خانواده‌های خود بروند.

- یکی دیگر از مسائلی که کارگران میادین میوه و تره بار با آن مواجه‌اند، موضوع بیمه و امنیت شغلی است. شایسته است تا در این زمینه جهت حمایت شغلی این افراد تمهیدات لازم اندیشیده شود.

منابع

- پروین، ستار. (۱۳۹۱)، مطالعه جامعه شناختی آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران، *پایان نامه دکتری* دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- پور احمد، احمد؛ کلاتری، محسن. (۱۳۸۱)، نقش مهاجرین در نوع و میزان جرائم ارتكابی شهر تهران، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰.
- دیوید، هریس. (۱۳۹۲)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات اوقات فراغت*، ترجمه: محمد سعید ذکایی و ثنا چاوشیان، انتشارات تیسرا.
- دورشمیت، یورک. (۱۳۹۲)، *زندگی‌های روزمره در شهرهای جهانی*، ترجمه: علیرضا مرادی، انتشارات تیسرا، با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۵)، ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و ارائه راه حل‌های کاهش آن در عسلویه، *مجله انجمن جامعه شناسی*، شماره ۲.
- علاءالدینی، پویا و همکاران. (۱۳۸۹)، جابجایی جمعیت و اچ ای وی، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره سوم
- مشفق، محمود؛ علی یار احمدی. (۱۳۸۶)، مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیررسمی و آسیب پذیری ناشی از آن، *مجله انجمن جمعیت شناسی*.
- موکرچی، شکر. (۱۳۹۰)، *مهاجرت و تباهی شهری*، ترجمه: فرهنگ ارشاد و عبدالله سالاروند، انتشارات جامعه‌شناسان.
- Augé, M. (1995). *Non-places: introduction to an anthropology of super-modernity*, London: Verso
- Berger, P. L. , Berger, B. and Kellner, H. (1974). *The Homeless Mind: Modernization and Consciousness*. Harmondsworth: Penguin.

- Cassirer, E. (1953). *The Philosophy of Symbolic Forms*. Vol. I 'Language'. New Haven and London: Yale University Press.
- Cassirer, E. (1970). *An Essay on Man: An Introduction to a Philosophy of Human Culture*. NewHaven and London: Yale University Press.
- Chen, Xinguang et al. (2004). *Cigarette smoking among rural-to-urban migrants in Beijing, China*. Preventive Medicine 39. 666– 673
- Giddens, A. (1994). *The Consequences of Modernity*. Cambridge: Polity.
- Hall, Stuart. (1996). *question of cultural identity, in book 'Modernity and it Futures'*, Cambridge: Polity Press
- Ma,Guoam. (2001). *population migration and crime in Beijing, china* in crime and social control in changing china edited by jlan Hong liu
- Puri, M and J. Cleland. (2006). Sexual behavior and perceived risk of HIV/AIDS among young migrant factory workers in Nepal, *Journal of Adolescent Health*, Published by Elsevier Ltd
- Shukai, Zhao. (2000). *criminality and the policing of migrant workers*. The china journal. No43
- Yang,t et al. (2009). *Smoking patterns among Chinese rural–urban migrant workers*, Public Health 123
- Wolcott, H. (2008a). *Writing up qualitative research (3rd ed.)*. London: Sage Publication.
- Wolcott, H. (2008b). *Ethnography: A way of seeing (2nd ed.)*. Lanham: Alta Mira Press.